

An Investigation of the Themes of Resistance and Stability in Ashura War Cries

Javad Faramarzi
Meysam Khalili

Abstract

Ashura incident can be discussed in various aspects. One of these aspects is the war cries (rajazes) recited by Imam Hussein (as) companions on the battlefield. that the supporters of Imam Hussein (AS) during the battle spoke. War cry is a poem recited on the battlefield to show off one's abilities and humiliate the enemy. The question under discussion in this study is what are the themes of resistance and stability in the war cries recited by Imam Hussein (as) supporters on the day of Ashura? Investigations show that the components of resistance and stability, such as patience and endurance, courage, fulfillment of obligations, accepting guardianship (Wilayat), and honor to lineage has been reflected in the war cries of the loyal companions of Imam Hussein (as) on the day of Ashura, such as Amr ibn Khalid al-Azadi, Jinadat ibn Hares ansari, Nafi bin Hilal, Qasim ibn al-Hassan (AS), Ali ibn al-Hussein (as), Abbas ibn al-Ali (as), etc.

Considering that the uprising of Imam Hussein (as) and his faithful companions is considered to be the most important uprising against the oppressive government over the course of history, addressing the various dimensions of this uprising and, in particular, identifying the themes of stability and resistance in the heart of this uprising, seems essential. This study tries to draw the theme of resistance and stability from the epopees and war cries of Imam Hussein (as) companions on the day of Ashura by adopting a descriptive-analytical method.

Keywords: Imam Hussein (as), war cry, Ashura, Resistance and stability, Themes

. Assistant Professor at the University of the Holy Qur'an Sciences, Email: faramarzi@quran.ac.ir

. PhD student at Ayatollah Haeri University of Meybod (Corresponding Author), Email: meysam.khalili@gmail.com

Date Received: . . .

Date Accepted: . . .

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بررسی مضامین مقاومت و پایداری در رجزهای عاشورا

(علمی-پژوهشی)

دکتر جواد فرامرزی^۱

میثم خلیلی^۲

چکیده

حادثه عاشورا از جنبه‌های گوناگون می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یکی از این جنبه‌ها رجزهایی است که یاران امام حسین (ع) به هنگام نبرد بر زبان جاری کردند. رجز شعری است که در میدان جنگ برای مفاخره و تحقیر دشمن بر زبان می‌آید. مسئله مورد نظر در این پژوهش این است که مضامین مقاومت و پایداری به کار گرفته شده در رجزهای یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا چگونه است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد مؤلفه‌های پایداری و مقاومت همچون صبر و استقامت، شجاعت، وفای به عهد، ولایت‌پذیری و افتخار به نسب در رجزهای اصحاب وفادار امام حسین (ع) مانند عمرو بن خالد الأزدی، جناد بن حارث انصاری، نافع بن هلال، قاسم بن الحسن (ع)، علی بن الحسین (ع)، عباس بن علی (ع) و ... در روز عاشورا تجلی یافته است. با توجه به اینکه قیام امام حسین (ع) و اصحاب باوفایشان به عنوان مهم‌ترین قیام علیه حکومت جور در طول تاریخ مطرح است، پرداختن به ابعاد مختلف این قیام و به خصوص شناسایی مضامین پایداری و مقاومت در بطن این قیام، موضوعی ضروری است. این پژوهش درصدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، مضامین مقاومت و پایداری را در اشعار حماسی و رجزهای اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا به تصویر بکشد.

^۱ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم faramarzi@quran.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه آیت الله حایری میبد(نویسنده مسئول: meysam.khalili1370@gmail.com)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶-۰۷-۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶-۰۲-۱۸

واژه‌های کلیدی: امام حسین (ع)، رجز، عاشورا، مقاومت و پایداری، مضامین

۱- مقدمه

اشعار حماسی یعنی قصاید و قطعاتی که از اعراب جاهلی و عهد اسلام به جای مانده است، بیشتر از مفاخرت فرد و قبیله حکایت می‌کند و معمولاً رجزهایی است که پهلوانان و مبارزان در برابر صفوف دشمن بر زبان می‌آوردند و خود و قبیله و نیاکان خویش را بدان‌ها می‌ستودند و یا قصایدی است که کسی در وصف مردانگی‌های خود در یک یا چند جنگ سروده باشد. آزادگی و شجاعت اعراب و بی‌باکی و مهارت آنان در انواع فنون رزمی از این گونه اشعار به خوبی لائح است (صفا، ۱۳۷۹: ۱۷-۱۸). رجزخوانی از آداب مسلم جنگ بوده و دو مبارز ناگزیر از پرداختن به آن قبل از نبرد بوده‌اند؛ در واقع، رجزخوانی بخشی از تاکتیک رزمی جنگاوران برای درهم شکستن روحیه دشمن است. از دیدگاه روان‌شناختی، در رجزخوانی از یک سو می‌توان غرور گوینده و اطمینان او از شکست دادن حریف را مد نظر داشت و از سوی دیگر، دلهره و ترس پنهانی گوینده را از شکست خوردن در ورای سخنان او دریافت و رجزخوانی را پوششی برای پنهان نمودن این ترس دانست (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۰۸). گزارش رجزهایی از بزرگان تاریخ صدر اسلام در میدان جنگ و نبرد موجود است؛ از جمله قهرمانان کربلا در هنگام مبارزه با دشمنان در روز عاشورا، رجزها و اشعار حماسی سرودند. در رجزهای قهرمانان کربلا، علاوه بر جلوه‌گری رشادت و دلاوری، بیان عقاید و اهداف بلند برای هدایت نسل بشر در طول تاریخ نمودی ویژه دارد. این نوشتار به بیان مضامین مقاومت و پایداری در رجزهای عاشورا اختصاص دارد.

۱-۱- بیان مسئله

اهلیت (ع) و یاران راستین‌شان همواره اسوه و الگوی پایداری و مقاومت بوده‌اند. این موضوع در سنت و سیره ایشان نمود دارد. امام حسین (ع) با خلق حماسه عاشورا و ایستادن در

مقابل ظلم و ستم، نام خویش را به عنوان الگوی پایداری تا قیامت جاودانه ساخت. هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش است:

- جلوه‌های پایداری و مقاومت در رجزهای امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا

چيست؟

در راستای دستیابی به این هدف، مقاله حاضر ضمن نقل قسمت‌هایی از رجزهای قهرمانان کربلا در روز عاشورا، مضامین پایداری را در این رجزها مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله پیش رو که در زمره پژوهش‌های بنیادین است، با روش توصیفی-تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

راویان معتقدند که رجز بر دیگر انواع شعر سبقت داشته است و بعضی می‌پندارند که تمام شعر رجز بوده است و نخستین بار مهلهل و امرؤالقیس قصیده ساختند. رجز آهنگ شعر توده مردم بود که عرب به‌هنگام مبارزه و نبرد یا حدا برای شتر یا آب بر گرفتن از چاه و موارد همانند آن بدان تغنی می‌کرده است و از یک یا دو بیت تجاوز نمی‌کرده و تنها در دوره‌های بعد بر ابیات آن افزودند و در فنون مختلف شعر به‌کارش بردند. ابو عبیده در کتاب خود «العمده» می‌گوید: شاعران پیش از این، ابیات رجزهای شان از دو یا سه در نمی‌گذشت و عجاج نخستین فردی بود که بر ابیات آن افزود و آن را به‌صورت قصیده درآورد و بدان رنگ عاشقانه داد و در آن از اطلال معشوق سخن گفت و بر آن اطلال، یاران را به درنگ کردن و گریستن فراخواند و نیز موضوعاتی چون یاد جوانی و وصف راحله را در آن داخل کرد (فاخوری، ۱۳۸۶: ۲۴۰). غیر از بعضی قطعات، معلقات سبع و تعداد نسبتاً زیادی از رجزهای پهلوانان که در برخی از کتاب‌ها دیده می‌شود، دیوان‌هایی از اشعار حماسه عرب در دست

است؛ مانند دیوان حماسه گردآورنده ابی تمام طایی که آن را خطیب تبریزی شرح کرده و حماسه بحرتری و حماسه ابن الشجری (صفا، ۱۳۷۹: ۱۸).

اما منبع اصلی انعکاس رجزها و اشعار حماسی قهرمانان کربلا در روز عاشورا، کتاب‌های تاریخی و مقاتل‌الحسین (ع) است؛ همچنین در این زمینه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی به صورت مستقل نگاشته شده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- رجزهای قهرمانان عاشورا در سال ۱۳۹۰، نوشته قدرت‌الله عفتی، قم: جام جوان.
- تحلیل و بررسی رجزهای عاشورا (سیر رجز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد احمد سنگری، فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی آبادان.

- تحلیل کارکرد ارتباطی رجزهای یاران امام حسین (ع) در قیام عاشورا، نوشته علی وحیدی فردوسی و محسن الویری، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۵.

- تصویر آب در رجز آینه‌داران کربلا، نوشته محمد صادق بصیری و معصومه یحیی‌زاده مقنی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات پایداری، سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

اما در هیچ‌یک از منابع مذکور به جلوه‌های پایداری در رجزهای عاشورا پرداخته نشده و مقاله حاضر از این جهت نوآوری دارد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

در واقعه عاشورا بسیاری از مبانی و مفاهیم اخلاقی مثبت، از جمله مقاومت و پایداری تجلی یافته است. مضامین مقاومت و پایداری را می‌توان در بسیاری از وقایع کربلا و از جمله رجزهای اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا یافت. پیرامون جلوه‌های پایداری در اشعار حماسی عاشورا کمتر تأمل شده است؛ بنابراین، پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری می‌نماید.

۲- بحث

۲-۱- مفهوم‌شناسی رجز

رجز در لغت عرب برای دو منظور به کار رفته است؛ اول: تحرک و جابه‌جایی شتر و دوم: نامی برای نوعی شتر که در حقیقت از همان تحرک و جابه‌جایی اخذ شده است. در کتاب «العین» در معنای رجز می‌خوانیم:

«اصل رجز در لغت، متابعت حرکات است و به همین خاطر در سخن عرب‌ها آمده که «ناقة رجزاً». هنگامی به این نام خوانده می‌شود که هنگام برخاستن پاهایش لرزان باشد» (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۶۶).

همچنین در لسان‌العرب آمده است:

«رجز دردی است که شتر پیدا می‌کند در پاهایش؛ اضطراب پای شتر است زمانی که بخواهد بلند شود. رجز در شعر، رجز نامیده شده است؛ به دلیل نزدیکی اجزایش و کمی حروفش» (ابن منظور، ۱۳۷۹، ج ۵: ۳۴۹-۳۵۰).

از دیدگاه راغب اصفهانی، رجز (به فتح) در اصل به معنی اضطراب و انحراف و بی‌نظمی است. این تعبیر به‌خصوص در مورد شتر در هنگامی که گام‌های خود را نزدیک به هم و نامنظم - به خاطر ضعف و ناتوانی - برمی‌دارد، گفته می‌شود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۴۲).

در لغت‌نامه دهخدا در معنای رجز خواندن آمده است:

«رجز خواندن عبارت است از خواندن اشعار رجز، مفاخرت کردن و بیان مردانگی و شرافت خود نمودن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷: ۱۰۵۰۴).

بر اساس تعاریفی که از برخی واژه‌نامه‌های عربی و فارسی به دست آمد، رجز را می‌توان شعری معرفی کرد که در میدان جنگ برای مفاخره و تحقیر دشمن بر زبان می‌آید و ظاهراً چون رجزخوان به سوی دشمن پیش می‌رود و می‌ایستد و رجز می‌خواند و دوباره حرکت می‌-

کند، این نوع شعر خواندن را که همانند حرکت شتر بیمار است، رجزخوانی نامیده‌اند» (مرادی و صلواتی، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۶).

ارجوزه نیز جمع رجز است و عبارت است از شعری که در بحر رجز سروده شده باشد و در وزن کامل آن شش بار «مستفعلن» به کار رفته باشد. این بحر به صورت مشطور و منهوک نیز به کار می‌رود. از خصوصیات رجز چنان است که یک قافیه در همه مصراع‌های آن تکرار می‌شود؛ خواه ارجوزه کوتاه باشد یا بلند (فاخوری، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

رجز همچنین نام یکی از بحور شعری عربی است که نوعی تحرک و روانی در آن است. در گذشته و دوران جاهلیت، از این وزن شعر، بیشتر در اشعاری که جنبه مبارزه، دشنام یا تفاخر داشته، استفاده می‌شده است. به کارگیری این وزن و آهنگ در شعرهای حماسی که مبارزان در میدان جنگ می‌خواندند، سبب شده است که به آن اشعار رجز گویند. معمولاً رجز ابیاتی کوتاه داشته و در میدان سروده می‌شده است؛ از این رو، گاهی هم خطاهای دستوری و ادبی دارد. گاهی اوقات هم افراد هنگام رجز خواندن در میدان مبارزه، اشعار شعرای عرب را که با حال و وضع آنان مطابق بوده، می‌خواندند و اگر خود جنگجو طبع شعر داشت، فی‌البداهه در وصف و معرفی خویش شعر می‌سرود و نام خود و پدر و قبیله‌اش را در آن بیان می‌کرد. رجز هم برای تقویت نیرو و روحیه خود بود، هم برای ترساندن رقیب. رجز سرود نظامی رایج در آن دوره‌ها بود که جنگ‌آوران در اثنای جنگ، آن را می‌خواندند و به شجاعت و قهرمانی‌های خود می‌بالیدند و دشمنان‌شان را به کشتن و تار و مار کردن تهدید می‌کردند. رجز در آن میدان‌های نبرد، مانند یک سلاح پیکار مؤثر بود و رزم‌آوران همان گونه که بر شمشیرها و تیرها و نیزه‌ها اعتماد می‌کردند، بر رجزهای خود نیز تکیه می‌کردند (محدثی، ۱۳۷۶: ۱۷۴؛ وحیدی فردوسی و الویری، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

۲-۲- مأخذشناسی رجزهای عاشورا

بنابر گزارش‌های کتاب‌های تاریخی و مقاتل‌الحسین (ع)، اکثر اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا و هنگام مبارزه با دشمنان، رجزها و اشعاری حماسی سرودند. این رجزها، به صورت پراکنده در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و مقاتل نقل شده است؛ از جمله این منابع تاریخی می‌توان به کتاب‌هایی هم‌چون تاریخ طبری (طبری، ۱۳۵۲ش، ج ۷: ۱۷۰-۲۳۶)، الإرشاد فی معرفه حجج‌الله علی‌العباد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۵۰-۴۸۰)، مقاتل‌الطالین (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۵۱-۷۰)، لهووف (سید بن طاوس، ۱۳۸۱: ۳۸-۶۰)، مقتل‌الحسین (ع) شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۴۷-۶۵) و ... اشاره نمود؛ اما ذکر این نکته ضروری است که اکثر رجزهای عاشورا به طور کامل و به تفصیل در دو کتاب تاریخی مناقب آل‌ابی طالب (ع) نوشته ابن شهر آشوب مازندرانی و مقتل‌الحسین (ع) خوارزمی نقل شده است. در متن این پژوهش نیز، مبنای نقل رجزهای عاشورا دو کتاب اخیر است.

۲-۳- تجلی مضامین پایداری در رجزهای قهرمانان عاشورا

قهرمانان کربلا در روز عاشورا هر آنچه داشتند، در راه حمایت از آل‌الله فدا کردند و با رشادت‌ها و ایثار و فداکاری، رضا و خشنودی خدا و ولی معصومش را خریدند. ایشان ضمن اشعار حماسی که در نبرد با دشمنان سرودند، به مفاهیم والای مقاومت و پایداری تأکید ویژه داشته و معیاری برای شناخت حق و باطل شدند. نمونه‌های از مضامین پایداری در رجزهای عاشورایی عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- صبر و استقامت

صبر به معنای خویش‌داری در سختی و تنگی، شکیبایی و خودداری نفس است بر آنچه عقل و شرع حکم می‌کند و آن را می‌طلبند یا آنچه را که عقل و شرع، خودداری نفس از آن را

اقتضا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲: ۲۸۰). غزالی در کتاب «احیاء علوم الدین» در تعریف اصطلاحی صبر در علم اخلاق می‌نویسد:

«صبر عبارت است از پایداری و ثبات لشکری در مقابل لشکر دیگر که به علت تضاد بین خواسته‌ها و تمایلاتشان با یکدیگر به جنگ پرداخته‌اند» (غزالی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۹۳).
از جمله مهم‌ترین آموزه‌های رجزهای اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا، دعوت به صبر، استقامت و ایستادگی است. دعوت به صبر در بسیاری از رجزهای عاشورایی تجلی یافته است؛ از جمله در رجز عمرو بن خالد الأزدی دعوت به صبر و استقامت نمود بارزی دارد. او صبر و استقامت را توشه‌ راهی برای سفر آخرت می‌داند و در هنگام مبارزه با دشمنان چنین رجز می‌خواند:

اليوم يا نفس إلی الرحمن تمضين بالروح و بالريحان اليوم تجزين
قد كان منك غاب الزمان ما خط باللوح لدى الديان
فاليوم زال ذاك بالغفران و الصبر أخطى لك بالأمان
(ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۰)

ای نفس! امروز با شادی و شادابی به سوی خدای رحمان می‌روی / امروز خوبی‌های گذشته‌ات را پاداش می‌دهند / و آنچه (از خطاها) در کتاب اعمال نزد خداوند از تو ثبت شده است؛ بخشیده می‌شود. / ناراحت نباش که هر زنده‌ای فانی می‌شود / ولدت صبر بیش از امان دشمن است.

فرزند عمرو، خالد بن عمرو الازدی نیز به تأسی از پدر بزرگوارش، صبر در راه خدا را در رجز حماسی خود این گونه به تصویر می‌کشد:

صبراً علی الموت بنی قحطان کیما نکون فی رضی الرحمن
ذی‌المجد و العزة و البرهان یا أبتا قد صرت فی الجنان
(همان: ۱۱۰)

ای بنی قحطان! بر مرگ صبر کنید/ تا رضایت الهی را با مجد و عزت و عظمت به دست آرید/ ای پدر! تو در بهشت هستی.

همچنین، سعد بن حنظله التمیمی در جنگ نمایانی که با دشمن داشت و در رجز حماسی خود این چنین سرود:

صبراً علی الأسیاف و الأسنة صبراً علیها لدخول الجنة
و حور عین ناعمات هنّة لمن یرید الفوز لا بالظنّة
یا نفس للراحة فاطر حنه فی طلاب الخیر فارغبنه
(خوارزمی، ۱۳۸۸: ۵۸)

بر شمشیه‌ها و نیزه‌ها صبر کنید تا به بهشت و حوریه‌های نازپرورده برسید/ اینها برای کسی است که می‌خواهد به سعادت قطعی برسد/ ای نفس! برای راحتی (آخرت) خود را به سختی بیفکن و برای رسیدن به خوبی رغبت کن.

تأکید اصلی اشعار حماسی و رجزهای مذکور، صبر در راه خدا، استقامت در برابر سختی - های روز نبرد و بردباری در برابر مرگ است که در نهایت موجب داخل شدن به رضوان الهی می‌گردد. خداوند متعال نیز در قرآن کریم، جزای صبر و بردباری را به بهترین شکل عنوان نموده است. به عنوان نمونه در آیه ۹۶ سوره نحل، جزای صابران را خود بر عهده گرفته و می‌فرماید:

«ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و لنجزین الذین صبروا اجرهم باحسن ما كانوا یعملون»؛
«آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد». طبق دیدگاه علامه طباطبایی ذیل آیه:

«بعد از آنکه وفای به عهد مستلزم صبر بر تلخی مخالفت هوای نفس در نقض آن و نیز مستلزم تحمل تلخی مخالفت با افسار گسیختگی نفس در آنچه می‌خواهد، می‌باشد؛ لذا روی سخن را از اجر خصوص وفاکاران به عهد برگردانیده، متوجه ذکر پاداش مطلق صابران در راه خدا نمود؛ پس اینکه فرمود: «وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ»، وعده مؤکدی است بر مطلق صبر؛ چه صبر بر اطاعت باشد و چه صبر بر ترک معصیت و چه صبر در برابر مصیبت. تنها قیدی که این مطلق دارد، این است که این صبر در راه خدا باشد؛ چون سیاق با صبرهای دیگر سازگاری ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۸۹).

بنابراین، صبر و استقامت امری مقدس و پسندیده است که در آموزه‌های وحیانی و همچنین رجزهای عاشورایی تجلی دارد.

۲-۳-۲- وفای به عهد

مسئله وفای به عهد و پیمان از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته‌جمعی است و بدون آن، هیچ‌گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست و بشر با از دست دادن آن، زندگی اجتماعی و اثرهای آنرا عملاً از دست خواهد داد؛ به همین دلیل در منابع اسلامی، تأکید بسیاری بر روی این مسئله شده است و شاید کمتر چیزی باشد که این قدر گسترش داشته باشد؛ زیرا بدون آن هرج و مرج و سلب اطمینان عمومی که بزرگ‌ترین بلای اجتماعی است، در میان بشر پیدا می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۴۵).

در آیات و روایات، بر پابندی به عهد و پیمان بسیار تأکید و سفارش شده است. خداوند در آیه نخست سوره مائده می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید!».

«منظور از «عقود»، عهدهایی است که خداوند بر بندگان واجب کرده است که به آنها وفا کنند؛ اعم از واجبات، محرمات، فرائض و حدود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۱۸۳). بنابراین، وفای به عهد به موضوعی خاص منحصر نمی‌گردد و همه عهدها را شامل می‌شود. امام علی (ع) در قسمتی از نامه‌اش به مالک اشتر در سال ۳۸ هجری، هنگامی که او را به فرمان‌داری مصر برگزید، چنین می‌نویسد:

«اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد شد یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش. بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجب‌های الهی، همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلاف‌هایی که در افکار و تمایل‌ها دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند تا آنجا که مشرکان زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند، وفادار بودند؛ زیرا که آینده ناگوار پیمان‌شکنی را آزموده‌اند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۳ق: نامه ۵۳).

آموزه‌های اسلامی پیرامون وفای به عهد و پیمان در رجزهای یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا تجلی یافته است. اصحاب امام حسین (ع) به تاسی از قرآن و سنت، در حمایت از ولی معصوم (ع) به عهد و پیمان خویش پایبند بودند؛ به‌عنوان نمونه در رجز «جناده بن حارث انصاری» آمده است:

أنا جنادة أنا ابن حارث
 عن بيعتي حتى يقوم وارث
 لسنت بخوار ولا بناكث
 من فوق شلو في الصعيد ماكث
 (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۳)

منم جناده فرزند حارث که ضعیف و پیمان‌شکن نیستم؛ بلکه بر بیعت خود باقی‌ام و می‌جنگم تا وارثم بر سر جسدم آید و او راهم را ادامه دهد.

محور اصلی رجز مذکور، حفظ بیعتی است که با ولی معصوم (ع) بسته شده و هیچ‌گونه پیمان‌شکنی در این بیعت نیست. در قسمتی از رجز حماسی که حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) نیز در روز عاشورا سرودند، حفظ بیعت سقایی و وفای به عهد مورد تأکید قرار گرفته است. در این رجز می‌خوانیم:

لَا أَرْهَبُ الْمَوْتَ إِذَا الْمَوْتُ رَقَا حَتَّى أُوَارِيَ بِالْمَصَالِيَتِ لَقَى
نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطَّهْرِ وَقَا إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أَقْدُوا بِالسَّقَا

و لَا أَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ الْمَلْتَقَى (همان: ۱۱۷)

زمانی که مرگ فراگیر شود از مرگ نمی‌هراسم/ تا اینکه با مرگ روبه‌رو شوم و آن‌را بیوشم/ جانم به فدای جان پیامبر پاک باد که در خطر واقع شده است/ من عباس هستم که پیمان سقایی بسته‌ام/ در روزی که نیکی و زشتی با هم ملاقات می‌کنند و با هم درگیر می‌شوند،/ من از سختی‌ها نمی‌ترسم و با آن روبه‌رو می‌شوم.

اشعار مذکور، رجزی بی‌نظیر در بیان حفظ بیعت با ولی معصوم است؛ زیرا شجاعت و حفظ بیعت در این اشعار عجین شده است و موجب تحمل سختی‌های نبرد و ایثار جان در راه حمایت از ولی گردیده است. حفظ پیمان و عهد با ولی معصوم (ع)، محوریت این اشعار قرار گرفته و موجب شده تا انگیزه نبرد مضاعف گردد.

۲-۳-۳- افتخار به نسب

در معنای لغوی نسب آمده است:

«نسب به جهت یکی از ابویان است و نسب دوگونه است؛ نسب طولی که بین پدران و فرزندان است و نسب عرضی که بین برادران و برادرزادگان و عموزادگان است» (راغب

اصفهان، بی تا: ۵۴۵). دهخدا از انساب، جمع نسب به پشت‌ها تعبیر کرده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴: ۲۲۴۵۲). انتساب یعنی خود را به نسبت دادن، انتساب إلى آبها (همان، ج ۳: ۳۵۴۳).

نسب، مفرد انساب به معنای قرابت آمده و گفته‌اند نسبت خاصه پدران است. صاحب التهذیب گوید که نسب به پدر باز می‌گردد. او گفته نسب از طریق پدر به اجداد پدری متصل می‌گردد؛ سپس به حدیثی از امام علی (ع) استناد می‌کند که «مادران نیستند؛ مگر ظرفی چند که محل سپردن نطفه‌اند تا پیروند و بازسپارند و برای احساب پدران‌اند که فضایل و کمالات دارند» (احمدنگری، ۱۹۹۷: ۹۴۳).

افتخار به نسب و اجداد طاهر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری و مقاومت، در رجزهای حماسی روز عاشورا نمود ویژه دارد. افتخار به نسب، بیشتر در رجزهای مربوط به خاندان بنی‌هاشم و علویان تجلی یافته است. به‌عنوان نمونه در رجز حماسی قاسم‌بن‌الحسن (ع) به بهترین وجه، نسب و خاندان پاک علوی به تصویر کشیده شده است:

إن تنکونی فأنافرع الحسن سبط النبی المصطفی و المؤمنین
 هذا حسین کالأسیر المرتهن بین اناس لا سقوا صوب المزن
 (خوارزمی، ۱۳۸۸: ۶۸)

اگر مرا نمی‌شناسید بدانید که من از شاخه‌های درخت حسنم. / او که نوه پیامبر (ص) برگزیده و مورد اعتماد بود. / این حسین (ع) است که مانند اسیری در دست مردم گرفتار شده است. / کاش این مردم از بارش اسب‌ها سیراب نشوند.

قاسم‌بن‌الحسن (ع) در اشعار مذکور، ابتدا پدر بزرگوار خویش را معرفی نموده و نسب ایشان را پاک و مطهر عنوان می‌کند؛ سپس به معرفی عمومی خویش می‌پردازد و مظلومیت

ایشان را یادآور می‌گردد. این اشعار برای یادآوری حق علیه باطل و معرفی خاندان پاک عصمت به لشکر دشمن، به وسیله حضرت قاسم بن الحسن (ع) سروده شده است.

یا در رجز عون بن عبدالله بن جعفر که وی نیز از خاندان بنی هاشم است، چنین می‌خوانیم:

إن تنكروني فأنا ابن جعفر شهيد صدق في الجنان أزهـر
يطير فيها بجناح أخضر كفى بهذا شرفاً في معشر
(همان)

اگر مرا نمی‌شناسید بدانید که فرزند جعفرم/ او که شهید حقیقی در بهشت است و می‌درخشد./ در آنجا با بال‌های سبز در پرواز است/ و همین برای افتخار میان مردم کافی است.

در رجز مذکور چنانچه ملاحظه می‌گردد، شهادت پدر و جاودانه شدن در بهشت، افتخاری بزرگ مطرح شده است؛ بنابراین، باید گفت شهادت در راه خدا و ولی‌اش افتخاری است که شهید نه تنها به خاطر آن به خود می‌بالد؛ بلکه به اجداد خویش نیز فخر می‌فروشد. همچنین در رجز عبدالله بن مسلم بن عقیل آمده است:

اليوم ألقى مسلماً وهو أبي وفتية على دين النبي
ليسوا كقوم عرفوا بالكذب لكن خياراً وكرام النسب
(ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۴)

امروز پدرم مسلم و جوانانی را که برای دین پیامبر فدا شدند، دیدار خواهم کرد./ آنان به دروغ‌گویی شناخته شده نبودند/ بلکه افراد برگزیده و از خاندانی بزرگوار بودند.

در رجز مذکور نیز به بهترین شکل، نسب خاندان هاشم به تصویر کشیده شده و به برگزیدگی ایشان تأکید شده است. وی در این رجز، پدر بزرگوار خویش را از صفت دروغ مبراً دانسته و اجداد ایشان را طاهر و برگزیده معرفی نموده است.

اما زیباترین و بلیغ‌ترین رجز در معرفی نسب و اجداد طاهر در روز عاشورا، منتسب به رجز حماسی امام حسین (ع) است. حضرت به بهترین شکل، نسب و نسل پاک خود را معرفی نمودند:

أنا ابن علی الخیر من آل هاشم	کفانی مفخرا حین أفر
و جدی رسول الله أکرم من مضمی	و نحن سراج الله فی الأرض نزهر
و فاطمة أمی ابنه الطهر أحمد	و عمی یدعی ذا الجناحین جعفر
و فینا کتاب الله انزل صادعا	و فینا الهدی و الوحی بالخیر یدکر
و نحن أمان الله فی الخلق	کلهم نسرب بهذا فی الأنام و نجهر
و نحن ولاة الحوض نسقی محبنا	بکأس و ذاک الحوض للسقی الکوثر
فیسعده فینا فی القیام محبنا	و مبغضنا یوم القیامة یخسر

(خوارزمی، ۱۳۸۸: ۷۲)

من فرزند علی نیک‌سرشت از آل هاشم هستیم / و این افتخار برایم کافی است. / جدم رسول خدا، کریم‌ترین انسان‌های گذشته است / و ما چراغ (هدایت) خدا روی زمین هستیم که می‌درخشیم. / فاطمه (س) مادرم دختر پاک احمد / و عمویم جعفر، صاحب دو بال است. / کتاب خدا در میان ما نازل شده / و هدایت و وحی در میان ما بوده است. / ما امان الهی در میان همه خلق هستیم / و به آن خوشحالیم و آن را مخفی نمی‌کنیم. / ما والیان حوض هستیم و دوستان خود را از حوض کوثر سیراب می‌کنیم. / محب ما در روز قیامت خوشبخت / و دشمن ما زیان‌کار خواهد بود.

این اشعار معرفی حق به باطل را به بهترین شکل ممکن انجام داده است. احتمال اینکه برخی افراد در روز عاشورا بدون آنکه فضایل و کمالات خاندان عصمت (ع) را شناخته باشند و با مکر و حيلة دشمن در میدان نبرد حضور یافته باشند، وجود دارد؛ بنابراین، امام (ع) با سرودن

این اشعار حماسی و بلیغ، حجت را بر همگان تمام ساخت و خود و خاندان پاکش را معرفی نمود تا دیگر عذری برای عدم شناخت ایشان باقی نماند.

۲-۳-۴- شجاعت

شجاعت به عنوان یکی از فضایل نفسانی و صفات و اخلاق پسندیده، عبارت است از قوت قلب در مصاف با دشمن و تحمل دشواری‌های آن (علم‌الهدی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۴) که از آن به دلیری و دلاوری نیز تعبیر می‌شود. عالمان علم اخلاق، شجاعت را به استقامت و اعتدال قوه غضبیه تعریف کرده و استقامت و اعتدال آن را به این دانسته‌اند که با سهولت تحت فرمان عقل در آید و از انحراف به دو سوی افراط، یعنی تهوّر و بی‌باکی و تفریط، یعنی ترس مصون باشد (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶).

یکی از اوصاف مجاهدان در مواجهه با دشمن در عرصه جنگ و دفاع، داشتن روحیه فتوت و شجاعت است. این روحیه عامل نه‌راسیدن از مرگ و رویارویی با آن است. امام حسین (ع) در قیام خونبار خود، صفات مذکور را به بهترین شکل به منصه ظهور نهاد و همگان را شگفت‌زده کرد (مجزوی، ۱۳۷۶: ۵۶)؛ بنابراین، حماسه و شجاعت در حادثه کربلا از مظاهر آشکاری است که دوست و دشمن به آن شهادت می‌دهند و آن را عامل درهم شکستن سپاه عیب‌الله در روز عاشورا می‌دانند. آنان صلاحیت رهبری جامعه بر اساس نصّ رسول‌الله (ص) را دارند که در برابر ستم و استبداد لحظه‌ای سر فرود نیاورده و داغ محکومیت و شکست را بر جبهه ستمکار و حاکمیت ظالمانه می‌نهند. بر این اساس، با توجه به اینکه شهامت و شجاعت در متن قیام عاشورا موج می‌زند، سزاوار است که این محتوا برای مردم بهتر و بیشتر تشریح گردد تا علاوه بر اشکی که بر مظلومیت شهدای کربلا و شهادت حسین بن علی (ع) می‌ریزند، از شجاعت آنان نیز درس بگیرند؛ زیرا یادآوری شهامت و حماسه‌سازی شجاعان کربلا در مواجهه با دشمنان می‌تواند

جامعه، جوانان و دوستان اهل بیت (ع) را شجاع و دلیر بار آورد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲).

در رجزهای اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا نیز، شجاعت و عدم هراس از دشمنان تجلی ویژه دارد؛ به عنوان مثال، در رجز یحیی بن سلیم المازنی عدم ترس از دشمن این گونه به تصویر کشیده شده است:

لأضربنّ اليوم ضرباً فیصلاً ضرباً طلحفی فی العدی مستأصلاً
لا عاجزاً عنهم ولا مهلاً ما أنا إلّا اللیث یحیی الأشبلا
(ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۱)

امروز شما را به ضربه‌ای بزنم که دشمن را نابود کند. / نه از رویارویی با آنان ناتوانم و نه فرار می‌کنم. / چونان شیر می‌هستم که از بچه شیرها دفاع می‌کنم.

در این رجز یحیی بن سلیم، شجاعت و بی‌باکی را به بهترین شکل به نمایش در آورده و با سرودن این اشعار، موجب ترس و بیم سپاه دشمن گردیده است.

در رجز و اشعار حماسی نافع بن هلال نیز، شجاعت و نداشتن بیم از مرگ نمود ویژه‌ای دارد:

أرمی بها معلقة أفواقها و النفس لا ینفعها إشفاقها
مسمومة یجری بها أخفاقها لستملأن أرضها رشاقها
(خوارزمی، ۱۳۸۸: ۶۳)

این تیرهای نشان‌دار مسموم را پرتاب و زمین را از آنها پر می‌کنم و ترس از جان هم سودی ندارد.

بنابراین، محوریت اشعار نافع نیز، نداشتن بیم از مرگ و جهاد در راه خدا تا حد شهادت

است.

در اشعار حماسی علی بن حسین (ع) (علی اکبر) نیز، شجاعت حیدری و هاشمی تجلی یافته است:

أنا علی بن الحسین بن علی نحن و بیت الله اولی بالنبی
والله لا یحکم فینا ابن الدّعی أطلعنکم بالرمح حتّی ینثی
أضربکم بالسیف حتّی یلتوی ضرب غلام هاشمی علوی
(ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۸)

من علی فرزند حسین بن علی (ع) هستم. / به خدای کعبه قسم که ما به پیامبر (ص) نزدیک تر و (برای جانشینی او) سزاوارتریم. / هیچ گاه فرزند زنازاده نمی تواند بر ما حکومت کند. / آن قدر با نیزه و شمشیر، شما را می زنم تا آنها کج شوند؛ / ضربتی که شایسته یک جوان هاشمی علوی است.

حضرت علی اکبر (ع) در رجز حماسی خود، شجاعت را منتسب به خاندان پاک و مطهر خویش دانسته و بدون ترس و بیم از لشکر دشمن به نبرد علیه باطل پرداخت.

۲-۳-۵- ولایت پذیری و دفاع از حریم ولایت

ولایت واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» گرفته شده است. در لغت عرب، به معنای آمدن چیزی است در پی چیزی دیگر، بی آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین توالی و ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است؛ از این رو، این واژه با شکل‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی» و «سرپرستی» استفاده شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. منظور از واژه «ولایت» در بحث امامت، آخرین معنای مذکور، یعنی سرپرستی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

نزدیکی و پیوند قلبی و محبت افراد به هم‌نوع، ولایت است و نزدیکی به معنای تصرف در امور دیگری و تدبیر آن، نوعی ولایت است. بندگی و پیوند معنوی با خدا و نیز عشق و علاقه به اولیای الهی موجب ورود به وادی ولایت می‌شود (خادستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷).

در قرآن کریم، «ولایت» حکایت حقیقی آدمی است که استعدادهایش در اثر پیوند با ولایت تائمه الهیه و حقیقت ذات ربوبی او، از راه عبادت و بندگی به منصب ظهور و بروز رسیده است تا آنجا که به غایت قصوای منزلت در مقام انسانی، یعنی انسان کامل نایل آمده است؛ در نتیجه، به مقام‌ها و منصب‌های رفیع الهی، شامل نبوت، رسالت، امامت و مانند آن دست یازیده است؛ به دلیل اینکه رسالت هر پیامبری به نبوت وی وابسته بوده است و نبوت به ولایت او مرتبط است، سمت و سوی پیوند انسان کامل به خدای سبحان، ولایت اوست و سمت ارتباط وی به جامع بشری رسالت اوست و رابط این دو، نبوت اوست؛ چه اینکه تفاوت رسالت‌ها مرهون تفاوت نبوت‌ها و امتیاز نبوت‌ها در پرتو تفاضل ولایت‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۳).

ولایت در زمان رسول خدا (ص) با پیامبر و در زمان ائمه (ع)، به وسیله ایشان تحقق یافت؛ از جمله در زمان امام حسین (ع) نیز، حضرت به عنوان ولی معصوم (ع)، وظیفه ولایت و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده داشتند. اصحاب باوفای امام حسین (ع) در واقعه عاشورا، به شکل‌های مختلف، ولایت‌پذیری و اطاعت خود از ولی معصوم (ع) را به اثبات رساندند؛ از جمله در رجزهایی که هنگام نبرد با دشمن می‌سرودند، جلوه‌هایی از این ولایت‌پذیری را می‌توان مشاهده نمود؛ به عنوان مثال در اشعار «جون» غلام ابوذر غفاری که جزو اصحاب امام حسین

(ع) در روز عاشورا بود، حمایت از ولایت مورد تأکید قرار گرفته و عامل رستگاری عنوان شده است:

کیف یری الفجار ضرب الأسود
 بالمشرقی القاطع المهئند
 أحمی الخیار من بنی محمّد
 أذبّ عنهم باللسان والید
 أرجو بذاک الفوز عند المورد
 من الإله الواحد الموحّد
 (خوارزمی، ۱۳۸۸: ۶۲)

بدکاران، ضربه‌های انسان سیاه با شمشیر برنده هندی را چگونه می‌بینند؟/ من از شایستگان آل محمّد (ص) حمایت می‌کنم/ و با دست و زبان از آنان دفاع می‌کنم./ به امید آنکه خدای یگانه در روز قیامت رستگارم کند.

دفاع همه جانبه چه با سخن و کلام و چه با شمشیر و جهاد، در رجز مذکور مورد تأکید قرار گرفته و رستگاری، عاقبت حمایت از ولی معصوم (ع) عنوان شده است. همچنین در رجز حماسی عمرو بن قرظله الانصاری، ایثار و از خودگذشتگی در دفاع از ولایت مورد تأکید قرار گرفته است:

قد علمت کتیبة الأنصار
 أنلی أحمی حوزة الذمار
 ضرب غلام غیر نکس شار
 دون حسین مهجتی و دار
 (همان: ۶۴)

گروه انصار می‌دانند که من از اهل حرم (خاندانی که حفاظتشان لازم است) دفاع می‌کنم/ و به مانند غلامی سربلند، جان و مالم را در راه حسین (ع) فدا خواهم کرد.

اما در اشعار حماسی‌ای که حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) هنگام نبرد سرودند، دفاع و حمایت از دین و ولایت به بهترین شکل تجلی یافته است. ایشان در قسمتی از رجز خود و هنگامی که دست راستشان از پیکرشان جدا گردید، این گونه سرودند:

والله إن قطعتم يميني
و عن إمام الصادق اليقين
إنني أحامي أبداً عن ديني
نجل النبي الطاهر الأمين
(ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۱۱۷)

به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید، همواره پشتیبان دین و امامم که یقین راست دارد و نوه پیامبر (ص) پاک و درست کردار است، باقی می‌مانم.

در رجز ایشان حمایت و پشتیبانی از ولی معصوم (ع) با تمامی توان، مورد تأکید قرار گرفته است؛ حتی زمانی که دست راست حضرت از بدن جدا شد، دست از حمایت از امام و رهبر خویش برنداشتند و در راه ولایت از هیچ کوششی مضایقه نکردند.

۳- نتیجه گیری

مسئله کلیدی این پژوهش، چگونگی تجلی مضامین مقاومت و پایداری در رجزهای عاشوراست. این پژوهش، نقل و تحلیل رجزهای قهرمانان کربلا و شناسایی آموزه‌های پایداری در این رجزها را رهیافتی مناسب برای پاسخ‌گویی به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱- اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا با تأسی از آموزه‌های اصیل قرآن و سنت، صبر و استقامت را سرلوحه خویش قرار دادند که این موضوع در اشعار حماسی‌ای که در هنگام نبرد با دشمنان سرودند، تجلی یافته است.

- ۲- وفای به عهد و حفظ بیعت و پیمان با ولی معصوم (ع)، به‌عنوان یکی از جلوه‌های پایداری در رجزهای حماسی روز عاشورا نمود ویژه دارد.
- ۳- یکی از اهداف والای قهرمانان کربلا، معرفی اجداد طاهر و نسب پاک خاندان بنی‌هاشم است که این موضوع در رجزهای روز عاشورا به‌خوبی نمایان است.
- ۴- شجاعت و بی‌باکی به‌عنوان یکی از صفات پسندیده در سیره نیکان نمود دارد؛ از جمله اصحاب امام حسین (ع) در روز عاشورا در دفاع از حریم اهل بیت (ع)، هر گونه ترس و بیمی را از نظر دور داشتند. این موضوع در رجزها و اشعار حماسی ایشان نمود ویژه دارد.
- ۵- دفاع از حریم ولایت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های پایداری در رجزهای اصحاب امام حسین (ع) نمود دارد. اصحاب امام حسین (ع) با اطاعت‌پذیری و پیروی بی‌چون و چرا از ولی معصوم (ع)، نام خود را به‌عنوان وفادارترین مردان طول تاریخ جاودانه ساختند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۸۱). **مقتل‌الحسین (ع)**. ترجمه و تحقیق محمد صحتی سردرودی. تهران: هستی‌نما.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی. (۱۴۱۲ق). **مناقب آل ابی‌طالب (ع)**. بیروت: دارالأضواء.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۹ق). **لسان‌العرب**. بیروت: دارالفکر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن‌الحسین. (بی‌تا). **مقاتل‌الطالبین**. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران: صدوق.

احمدنگری، عبدالنبی بن عبدالرسول. (۱۹۹۵). **موسوعه مصطلحات جامع العلوم**. بیروت: مکتبه لبنان.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). **وحی و رهبری**. تهران: انتشارات الزهرا.

خادستانی، اسماعیل؛ سیفی و همکاران. (۱۳۹۳). «**جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین (ع)**». فصلنامه سراج منیر. س ۵، ش ۱۷.

خوارزمی، محمد بن محمود. (۱۳۸۸). **ترجمه تحقیقی مقتل الحسین (ع) خوارزمی**. ترجمه مصطفی صادقی. قم: مسجد مقدس جمکران.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). **لغت‌نامه**. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). **مفردات الفاظ القرآن**. بیروت: دارالقلم - الدارالشامیه.

سیدبن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۱). **اللهوف علی قتلی الطفوف**. ترجمه ابوالحسن میرابوطالبی حسینی. قم: دلیل ما.

شریف‌الرضی، محمد بن الحسین. (۱۳۹۰ش). **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. تهران: مبین اندیشه.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). **حماسه‌سرایی در ایران**. تهران: انتشارات امیرکبیر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۲ش). **تاریخ الرسل والملوک**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. بی‌جا: بی‌نا.

علم‌الهدی، علی بن الحسین. (بی‌تا). **رسائل شریف مرتضی**. قم: دارالقرآن‌الکریم.

غزالی، ابوحامد محمدبن محمد. (۱۴۱۵ق). **احیاء علوم‌الدین**. مصر: مکتبه السنة.

فاخوری، حنا. (۱۳۸۶). **تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر**. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: توس.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۶۷). **کتاب‌العین**. بیروت: مؤسسه الأعلمی.

فلاح، غلامعلی. (۱۳۸۵). «**رجز خوانی در شاهنامه**». دوفصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادبیات فارسی. ش ۵۴ و ۵۵، صص ۱۰۷-۱۳۰.

- فیض کاشانی، ملامحسن. (بی تا). **مفاتیح الشرایع**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مجوزی، عبدالله. (۱۳۷۶). **چرا تنبیه؟**. تهران: انتشارات اولیا و مریان.
- محدثی، جواد. (۱۳۷۶). **فرهنگ عاشورا**. قم: نشر معرفت.
- محمدی، عبدالرضا و همکاران. (۱۳۸۸). «**بررسی عوامل مؤثر بر شجاعت دانشجویان افسری امام علی (ع) و راهکارهای ارتقای آن**». فصلنامه مدیریت نظامی. ش ۳۶.
- مرادی، کتابیون؛ صلواتی، محمود. (۱۳۹۱). «**کارکرد رجز و رجزخوانی در شاهنامه و گرشاسب نامه**». فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان». ش ۱۳، صص ۳۱-۴۶.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- وحیدی فردوسی، علی؛ الویری، محسن. (۱۳۹۵). «**تحلیل کارکرد ارتباطی رجزهای یاران امام حسین (ع) در قیام عاشورا**». مطالعات فرهنگ - ارتباطات. س ۱۷، ش ۶۷، صص ۱۶۷-۱۹۰.